



«تَبَّاهٌ وَ اَنَا اَلیهٔ راجعون»؛ این مصیبت عظیم را به تبعیت از مقام معظم رهبری اینتا به پیامبر اکرم(ص) و امیرالحاج حقیقی عالم حضرت ولیعصر(عج) تسلیت عرض نموده و از عمق وجود برای شهدای این واقعه طلب آمرزش کرده و برای خانواده این حجاج بزرگ صبر و شکیبایی را از درگاه خالق رحمان خواستاریم. تسلیت این حادثه به پیامبر اکرم(ص) و امام زمان(عج) نشان از عمق این مصیبت غمناک دارد که جهان اسلام را در ماتم خود فروبرده است و صاحب عزای واقعی را به همگان نشان می‌دهد. در همین باره روزی نیست که خیل کثیری از مردم مظلوم دنیا قربانی مطلم قدرت‌های طاغوتی نشوند و در این بین آل‌سعود از شرورترین و ظالم‌ترین این طاغوتیان است که گوی سبقت را از جباران عالم بروده است تا اینکه بتواند با قربانی کردن مسلمانان مظلوم جهان به اهداف پوچ زندگی حیوانی و پست خود برسد و در روز عید قربان نیز ابایی از انجام اقدامات سبعانه خود ندارد، چرا که کشتار حجاج برای این قوم شمی امری طبیعی و عادلی است و حاکمان کنونی آل‌سعود نیز این صفت نابخشودنی را از اجداد و نیاکان خود به ارث برده‌اند و تاریخ اسلام گواه این همه جنایت و ظلم است، از رژیم‌ه که خدا خدا را حرام و حرام خدا را حلال کرده‌اند و از دین خدا جز ظاهر چیزی نمی‌دانند جز این توقعی نیست، چرا که جز نفس خویش چیز دیگری برای آنان اهمیت ندارد و این حب نفس و حب دنیا رأس تمام خواسته‌های آنان است و جالب اینکه خود را خادم جایی می‌دانند که هیچ منیت و تکبری در آن نباید باشد و هر چه هست باید برای خداوند بی‌شریک و در عین سداقت و بسودن ثزور صورت گیرد. عید قربانی که همه باید از متعلقات ندیایی خود برای حضرت حق بنگرند و نفس و دنیای خود را زیر پا بگذارند تا به کامل بندگی برسند و بر توحید و یگانهگی خداوند متعال در تمام ابعاد شهادت دهند، برای آل‌سعود طور دیگری تعریف می‌شود! آل‌سعود نیز در

سجاد عابدی: گسترش فعالیت‌های گروه شبه‌نظامی

داعش از لحاظ جغرافیایی و اقدامات غیرانسانی، بدون تردید نمی‌تواند بدون هماهنگی و حمایت دستگاه‌های امنیتی کشورهای منطقه و جهان صورت گرفته باشد. با توجه به هزینه‌هایی که برخی کشورهای منطقه از جمله عربستان – یکی از اهرم‌های توازن قدرت در منطقه از جانب غرب - در پی تحولات منطقه پس از سقوط صدام و تحولات عربی خاورمیانه متحمل شده اند، عنوان جنگ نیابتی در مرزهای ایران به دلیل نگرانی از افزایش نفوذ و قدرت ایران و نفوذ امنیتی و اطلاعاتی به کشور، می‌تواند یکی از دلایل تلاوم فعالیت این گروه شبه‌نظامی باشد. با آغاز تحولات کشورهای عربی از سال ۲۰۱۱ در تونس و گسترش آن به سایر کشورهای عربی منطقه خاورمیانه، ساختار سیاسی- امنیتی منطقه با تغییراتی مواجه شد. این تحولات از یک سو سبب پیدایش گروه‌های تندروی به‌اصطلاح اسلامی شد. از سوی دیگر زمینه را برای رشد سریع گروهی مانند داعش فراهم کرد که تا یکی- دو سال گذشته نامی در کنار دیگر نام‌های تندرو یا مشی القاعده بود.

این گروه با گرفتن بخش‌های وسیعی از غرب عراق و شرق سوریه و گسترش اقدامات خود به سایر کشورها و تبدیل شدن از یک گروه چرکی به یک‌شبه کشور، زمین بازی را به طور کامل تغییر داد. قطعاً رشد سریع گروهی شورشی که خود را پایبند به هیچ یک از قوانین بین‌المللی نمی‌داند و در اختیار گرفتن بخش‌های وسیعی از غرب عراق و شرق سوریه، آن هم در بازه زمانی چند ماهه، که مجموع وسعت آن چیزی در حد و اندازه کشور بریتانیاست، نمی‌تواند در قالب حرکت‌های خودجوش و متهورانه گروهی تندرو قابل توجیه باشد. بر این اساس، اگر بپذیریم کشورهای منطقه مانند ترکیه، عربستان و قطر به نحوی از انحا قالب حرکت‌های خودجوش و متهورانه گروهی تندرو نیست و توازن قوا تغییر کرده است؟ آیا عربستان به دنبال ژاندارمی در منطقه خلیج فارس است؟ آیا ترکیه به دنبال احیای امپراتوری عثمانی در منطقه است؟ آیا کشور قطر به پشتوانه منابع مالی هنگفت به دنبال تبدیل به قطبی

پایان غاصبان حرمین شریفین نزدیک است

آل‌سعود را نخواهیم بخشید

- سیدمهراد سیدرزگر

مقامات و شاهزاده‌های سعودی را عامل این حوادث می‌دانند، چرا که با روی کار آمدن ملک سلمان بن‌عبدالعزیز و ایجاد موج عظیم تغییرات در ساختار حکومتی آل‌سعود توسط وی زمینه بروز کشمکش در خاندان سعود برای رسیدن به قدرت تقویت شد و رقابت بین محمد بن‌نایف ولیعهد با محمد بن‌سلمان از جمله این قدرت‌طلبی‌هاست و موضوع اصلی این است که اینان مناسک حج و حجاج را نیز وارد بازی‌های سیاسی و قدرت‌طلبی‌های خود کرده‌اند تا با بی‌کفایت نشان دادن طرف مقابل در انجام مسؤولیت‌های خود رقیب را از میدان سیاست بپزه می‌برد و نکته مهم اینکه رژیم آل‌سعود وظیفه حفظ خارج و جان حجاج را به عهده دارد و خود نیز باید پاسخگوی این شرایط اسفناک باشد، چرا که خود مجوز ورود زائران را برای انجام فرایض حج صادر کرده است و باید زمینه مناسب برای این کار را به نحو احسن فراهم می‌کرد ولی متأسفانه آل‌سعود شأنیت مقام خادم حرمین‌شریفین را ندارد و صرفاً از این مقام برای حفظ جایگاه خود در جهان اسلام بهره می‌برد و نه خدمتگزاری به حجاج‌بیتالله‌الحرام. شرایط حاضر، حج خونی۹ مرداد ۱۳۶۶ را به یاد می‌آورد که حجاج ایرانی در حین انجام فریضه‌برائت از مشرکین در حرم امن الهی مورد حمله برنامه‌ریزی شده نیروهای امنیتی آل‌سعود قرار گرفتند و ۲۰۰ تن از آن عزیزان به طرز فجیعی به شهادت رسیدند. حادثه منای‌امسال نیز با توجه به اینکه روز بعد از فریضه برائت از مشرکین صورت گرفت بسیار قابل تأمل است و توجه به شرایط منطقه‌ای و جهانی آمریکا و صهیونیست‌ها که همیمان نزدیک آل‌سعود هستند، برای تدقیق در این امر ضروری است. در این راستا حضرت امام خمینی(ره) در دیدارشان به تاریخ یکم شهریور ۱۳۶۶ اعضای هیأت دولت بعد از کشتار حجاجین در مکه توسط آل‌سعود فرمودند: «اگر ما از مساله قدس بگذریم، اگر ما از صدم بگذریم، اگر ما از همه کسانی که با ما بدی کردند بگذریم، نمی‌توانیم از مساله حجاج بگذریم. مساله حجاج یک باب دیگری است، غیر مسائل دیگر». همه این شرایط نشان می‌دهد جنایات آل‌سعود هیچگاه از حافظه تاریخی ملت ایران و جهان اسلام پاک نخواهد شد و در زمان مقرر پاسخ قاطعی به ظلم و تعدی رژیم آل‌سعود داده خواهد شد. رژیم آل‌سعود ترکیبی از زر، زور و تزویر است که با استفاده از پول عظیم نفت، داشتن حکومتی تمامیت‌خواه و تالیتر و انتخاب‌نام‌خادم حرمین‌شریفین سعی دارد تنها خودنمایی کند و خود را به هیچ عنوان در مقابل مردم و سایر جهان پاسخگو نمی‌داند، چرا که رژیم سلطنتی موروثی که مردم در آن هیچ حق و حقوقی ندارند و پول نفت را نیز در اختیار دارد نتیجه‌ای جز بی‌مسئولیتی، بی‌کفایتی و بی‌توجهی داشت و همین جایگاه مادی و معنوی بوده که زمینه سکوت مجامع بین‌المللی و کشورهای اسلامی را تاکنون فراهم آورده است و از این طریق برخی را با پول، برخی را

مقامات و شاهزاده‌های سعودی را عامل این حوادث می‌دانند، چرا که با روی کار آمدن ملک سلمان بن‌عبدالعزیز و ایجاد موج عظیم تغییرات در ساختار حکومتی آل‌سعود توسط وی زمینه بروز کشمکش در خاندان سعود برای رسیدن به قدرت تقویت شد و رقابت بین محمد بن‌نایف ولیعهد با محمد بن‌سلمان از جمله این قدرت‌طلبی‌هاست و موضوع اصلی این است که اینان مناسک حج و حجاج را نیز وارد بازی‌های سیاسی و قدرت‌طلبی‌های خود کرده‌اند تا با بی‌کفایت نشان دادن طرف مقابل در انجام مسؤولیت‌های خود رقیب را از میدان سیاست بپزه می‌برد و نکته مهم اینکه رژیم آل‌سعود وظیفه حفظ خارج و جان حجاج را به عهده دارد و خود نیز باید پاسخگوی این شرایط اسفناک کاری است که باید توسط کشورهای اسلامی صورت گیرد. در این باره نکته‌ای هم خطاب به دولت جمهوری اسلامی مطرح می‌شود که در اتخاذ سیاست‌های تنش‌زدایی، اعتمادسازی و مسالمت‌جویی صرف و طرح مسائلی چون گت‌و‌گوی تمدن‌ها و جهان عاری از خشونت و افسراط در دولت‌های اصلاحات و همچنین دولت فعلی بدون در نظر گرفتن الزامات و شرایط خاص که باعث گستاخی هرچه‌بیشتر کشورهای ظالم و مستکبر منطقه‌ای و جهانی می‌شود و هم جمهوری اسلامی را در محور شرارت قرار می‌دهد و امنیت و تمامیت ارضی کشور را با خطر روبه‌رو می‌کند، دقت بیشتری کنند چرا که اتخاذ این سیاست‌ها از سوی دولت نه تنها فشار و هجمه علیه کشور را کاهش نداده است بلکه گستاخی تا جایی پیش رفته است که مقامات سعودی پس از این حوادث حتی از دولت جمهوری اسلامی ایران عذرخواهی نکرده و در ضمن اجازه ورود نیروهای امنادی و اجرایی ایران را به محل حادثه ندادند. بررسی و کمک‌رسانی به حجاج هم ندادند. لذا امید است با اتخاذ یک سیاست متعادل نه دچار افراط شویم و نه دچار تفریط تا کشوری نتواند به راحتی حقوق سایر کشورها و ملت عزیز ایران را ضایع کند. در انتها آندوه و تأسف در فقدان حجاجی است که قرار بود با پیام‌هاو تبریک و اعلامیه‌های «زیارت قبول» ملت ایران روبه‌رو شوند ولی در فضایی غم‌آلود با پیام‌های تسلیت و ترحیم از آمدن آنها استقبال خواهد شد ولی اجر این حجاج مظلوم نزد خداوند عزوجل محفوظ است، چرا که این بزرگان ندای پروردگار خود را در عین بندگی لبیک گفتند و بسان مولای خویش حج خود را تاانمام گذاشته و به سوی معبود خویش شتافتند و خون مطهر این عزیزان از آل‌سعود را زمین خوار کرد. خداوند این خانواده این عزیزان سفر کرده صبر و شکیبایی عنایت فرماید. این نوشته تقدیم می‌شود به این عزیزان بزرگوار، «مَنْ يَخْرُجْ مِنْ نَيْبَةِ مُهَاجِرِ آلِیِ اللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَمُرْ كَرَّةً الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَعْرَاجُ عِلَى اللَّهِ» (سوره نسا/ ۱۰۰)

افغانستان و صدام در عراق، بیشترین منافع متوجه ایران شده. حکومت‌هایی در این ۲ کشور بر سر کار بودند که تا پیش از آن در زمره تهدیدات اصلی علیه کشور محسوب می‌شدند اما پس از سرنگونی طالبان و صدام، ایران از معدود کشورهای بود که بالاترین میزان نفوذ را در این کشورها به دست آورد. همه این موارد مطرح‌شده و ثبات و امنیت ایران انگیزه لازم را به دشمنان منطقه‌ای و جهانی ایران جهت چالش‌سازی برای امنیت و ثبات داخلی و منطقه‌ای ایران داده است که مهم‌ترین آن در حال حاضر ایجاد جنگ نیابتی از طریق داعش در مرزهای ایران است. البته مقام معظم رهبری سوم خرداد ۱۳۹۴ در مراسم دانش‌آموزختگی دانش‌جویان افسری و تربیت پاسنداری دانشگاه امام حسین(ع)، پاسخ مشخصی به نیت بدخواهانه دشمنان در این باره دادند. ایشان با اشاره به اخباری مبنی بر تلاش بدخواهان از عناصر خودفرورخته؛ هدف آنها واقع کشورهای منطقه‌ای و قدرت‌های جهانی با هدف تغییر موازنه قدرت در منطقه و کاهش نفوذ و قدرت ایران در خاورمیانه، در یک راستا و با رهبری قدرت‌های جهانی حرکت می‌کنند و ایجاد جنگ نیابتی در مرزهای ایران یکی از ابزارهای این کشورهاست. بسلامی تردید در اقدامی از سوی دشمنان جمهوری اسلامی ایران علیه کشور، با هدف و انگیزه مشخصی صورت می‌گیرد که مقامات سیاسی، امنیتی و نظامی کشور نیز به این موضوع کاملاً اشراف دارند. به طوری که دبیر شورایعالی امنیت ملی طی اظهاراتی درباره برنامه طراحی‌شده از سوی نظام سلطه و مهره‌های منطقه‌ای آن در «ایجاد اختلافات قومی و مذهبی با سوااستفاده از عناصر خودفرورخته؛ هدف آنها را مقابله با آبدانی در منطقه و درگیر کردن ظرفیت‌های داخلی کشور و جلوگیری از هم‌فزایی و پیشرفت ملت ایران» عنوان کرده است. بعد از پایان جنگ ۸ ساله عراق علیه ایران، کشور از ثبات قابل ملاحظه‌ای در اکثر حوزه‌ها برخوردار شده است. این در حالی است که بیشتر کشورهای منطقه درگیر نزاع‌های بی‌پایانی درون و بیرون مرزهای خود هستند. در کنار ثبات و امنیت ایران در منطقه بحرانی خاورمیانه، افزایش نفوذ و قدرت تاثیرگذاری ایران نیز بیشتر از گذشته شده است. با سقوط طالبان در

ماجرای فرار

اولین رئیس مجلس

مجلس اول مشروطیت که کمتر از ۲ سال دوام داشت- ۱۳ مهر ۱۲۸۵ تا ۲ تیر ۱۲۸۷- شاهد تحولات بسیاری بود. این مجلس که مولود قیام مردم بود، پیش از پایان دوره قانونی خود به علت مخالفت محمدعلی‌شاه قاجار با مشروطه‌طلبان توسط کلنل لیاخوف، رئیس روس قزاقخانه و تعدادی از افسران روس به توپ بسته شد. در این حادثه عده‌ای از نمایندگان مجلس کشته و برخی دستگیر و زندانی شدند و جمع دیگری نیز توانستند فرار کنند. سیدمحمدصادق طباطبایی، سیدعبدالله بهبهانی، حکیم‌الملک (ابراهیم حکیمی)، بهاء‌الواعظین، میرزا جهانبگیرخان، ملک‌المتکلمین و ممتازالدوله، رئیس مجلس از جمله کسانی بودند که موفق به فرار شدند. گزارش زیر داستان فرار رئیس اولین مجلس شورای ملی است که باهم می‌خوانیم:

ممتازالدوله که در ۱۲۸۶ در سن ۳۲ سالگی به ریاست مجلس اول رسیده بود وقتی تجمع نظامیان روس در میدان بهارستان را دید تلغن را برداشت و به شاه اعتراض و پرخاش کرد اما در همان حال اولین گلوله توپ به مجلس پرخورد کرد و باعث تخریب قسمتی از تلفنخانه مجلس شد. رئیس مجلس، نمایندگان را از تصمیم شاه برای اتهام مجلس و بازداشت و مجازات نمایندگان باخبر کرد و خود همراه جمع دیگری از نمایندگان مشروطه‌خواه از در پشت مجلس فرار کرد و سرانیمه خود را به پارک امین‌الدوله رساندند. صاحب پارک که از ورود رئیس مجلس و همراهانش بیمناک شده بود فوراً مراتب را به شاه اطلاع داد. دبری نگذشت که سربازان دولتی به پارک آمدند و سرکوب و شکنجه پناهندگان را آغاز کردند. ممتازالدوله با مشاهده این وضعیت خود را در ایلامی توده‌ای از درختان انگور پنهان کرد و تا تاریکی شب در آن مکان ماند سپس باغبان پارک که انسانی نیکوکار بود و از محل اختفای رئیس مجلس خبر داشت او را تا سپیده صبح نزد خود پناه داد. در اولین ساعات‌های صبح ممتازالدوله کلاه‌پاری را سر و بیلی بر دوش نهاد، شلوارش را تا زانو بالا زد و با کفش مدرسی در کسوت کارگران میراب از پارک چشم سربازان مسلح به بیرون از پارک رفته و دور شد. در بین راه عده‌ای او را برای بیل زدن به بانچه منزل خود و عده‌ای نیز وی را برای انجام سایر امور کارگری دعوت به کار کردند. ممتازالدوله نیز که کاملاً ناشناخته مانده بود به هر متقاضی، و عده‌ای داد تا توانست خود را به منزل یکی از دوستانش برساند. چند روزی در این منزل به سر برد تا اینکه تصمیم گرفت از راه روسیه به اروپا برود اما بیم شناسایی خود و به توصیه و اصرار اکید دوستانش، راهی سفارت فرانسه شد. او که به زبان‌های فرانسوی و انگلیسی تسلط کامل داشت، درخواست مسؤلان سفارت برای اقامت چند روزه در آن مکن را ارد کرد و در همان روز ورود، با راهنمایی فرستادگان سفارت و با لباس مبدل رهسپار مرز روسیه شد. روزی که با ترن از باکو به تفلیس می‌رفت نراحت و پریشان خیال در ایستگاهی از قطار برای لحظاتی پیاده شد اما پیش از سوار شدن دوباره وی، درهای قطار بسته شد و ترن بدون وی به حرکت درآمد. ممتازالدوله به ژاندارمری مستقر در ایستگاه پناه برد و متوجه شد باید یک شبانه‌روز در انتظار ورود قطار بعدی بماند. وی شب را در گوشه زبان مأموران ژاندارمری شنید که قطار دبروزی دچار سانحه شده و بسیاری از مسافران آن جان خود را از دست داده‌اند. ممتازالدوله با قطار جدید خود را به تفلیس رساند و از آنجا رهسپار اروپا شد. به پاریس رفت و در آنجا با معرفی خود چگونگی حادثه حمله به مجلس و جنایت محمدعلی شاه و نظامیان روس را برای نمایندگان مطبوعات تشریح کرد. ممتازالدوله تا سقوط محمدعلی شاه در فرانسه ماند سپس به کشور بازگشت و در انتخابات مجلس دوم که یک سال و ۴ ماه پس از به توپ بستن مجلس اول برگزار شد، به‌عنوان نماینده مردم تبریز راهی مجلس شد او چند ماهی را دوباره به ریاست مجلس برگزیده شد سپس تا قبل از به قدرت رسیدن وثوق‌الدوله در چند کابینه سمت وزز تخته‌های مالیه یا عدلیه را عهده‌دار شد. با به قدرت رسیدن وثوق‌الدوله، وی بنای ناسازگاری نهاد و قرارداد ۱۹۱۹ را مورد حمله شدید قرار داد و این منجر به بازداشت و تبعید وی به کانگان شد. او تا زمان سقوط کابینه وثوق‌الدوله در تبعید باقی ماند سپس به تهران آمد. با کودتای رضاخان نیز مخالفت کرد از این رو دستگیر و روانه زندان شد. در تمام مدت کابینه ۱۰۰ روزه سیدضیاءالدین طباطبایی، وی در زندان بود. پس از سقوط سیدضیا وی از زندان آزاد شد و در کابینه قوام به وزارت معارف برگزیده شد. ممتازالدوله سرانجام در سال ۱۳۱۱ ش در ۵۸سالگی درگذشت.

منابع:

– **هزار و یک حکایت تاریخی، محمود حکیمی، انتشارات‌قلم**

– **شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران، نشر علم**

داعش و جنگ نیابتی؛ اهرم نفوذ غرب در ایران



تاثیرگذار در منطقه است؟ و از همه مهم‌تر دستیابی این کشورها به اهداف برآورده‌شده خود، از چه طریقی ممکن است؟ مطمئناً ایران به عنوان یکی از قدرت‌های اصلی و تأثیرگذار منطقه و از رقبای مهم این کشورها بویژه عربستان و ترکیه محسوب می‌شود. داعش که رها از هر نوع پایبندی به هر گونه پیمان و معاهده بین‌المللی است، به نظر می‌رسد بازوی اجرایی سیاست‌های قدرت‌های منطقه شده باشد. داعش آنگونه که تاکنون نشان داده است بیشترین انرژی خود را بر بسط سیطره و نفوذ خود در منطقه

گذاشته است. به عبارت دیگر سیاست داعش عمدتاً برونگراست و کمترین توجه را به رضایت و رفاه شهروندان مناطق تحت اشغال خود داشته است. در منطقه بالقوه برای ایران بسیار خطرناک باشد، چرا که نه‌تنها انگیزه لازم را برای این گروه در تعدی به مرزهای ایران فراهم می‌کند، بلکه امکان بالفعل شدن آن نیز اسلام کم‌نیست. در واقع تحولات صورت‌گرفته در سوریه، عراق، بحرین و یمن که عملاً منجر به محاصره شدن عربستان در مرزهای خود و افزایش نفوذ ایران در منطقه شده، نگرانی و نارضایتی سعودی را موجب شده است. در واقع نگرانی عربستان و قدرت‌های غربی از این است که به رغم سرمایه‌گذاری‌های گسترده ائتلاف غربی –عربی، موازنه منطقه‌ای به نفع محور مقاومت و ایران تغییر یافته و با ظهور و گسترش داعش در منطقه و تحت تأثیر قرار گرفتن بیشتر کشورهای منطقه، مرزهای ایران تحت تأثیر و نفوذ این گروه قرار نگرفته است. بر این اساس درگیر کردن ایران در جنگ‌های نیابتی – از جمله نفوذ داعش به ایران-، کارهای قدرت و نفوذ ایران در منطقه، از جمله راهبردهایی است که در چند سال اخیر بشدت از سوی عربستان و کشورهای حامی